

اثربخشی آموزش رویکرد پردازش اطلاعات بر افزایش قدرت استدلال با والدین در نوجوانان

فهیمه امینی^۱، زهرا امینی یزوه^۲

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر / fhamini80@gmail.com

^۲ دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ، zahraamini63@gmail.com

چکیده

خانواده اولین جامعه ای است که هر فردی در آن رشد و پرورش می یابد و بسیاری از مهارت ها را در آن می آموزد. برای حل تعارضات والدین و فرزندان روشهای مختلفی وجود دارد که در این تحقیق میزان اثر بخشی آموزش هرم رویکرد پردازش اطلاعات به دانش آموزان بر کاهش تعارضات آنها با والدین شان از طریق افزایش قدرت استدلال آنها بررسی شد. با توجه به نتایج بدست آمده آموزش بر اساس رویکرد پردازش اطلاعات شناختی به دانش آموزان باعث افزایش قدرت استدلال آنها در مقابل پدر و مادرشان شد.

واژه های کلیدی

رویکرد پردازش اطلاعات شناختی ، قدرت استدلال، والدین

مقدمه

نوجوانی، حساس ترین فصل زندگی آدمی است. حساسیت آن به قدری است که می گویند می تواند از مو باریک تر و از لبه تیغ برنده تر باشد! و اگر نوجوان بتواند از این مرحله به سلامت عبور کند بقیه مسیر زندگی را نیز به سلامت طی خواهد کرد. در این دوران که مرحله جنگ بین کودکی و بزرگسالی است، اعتماد به نفس همیشه به عنوان نشانه ای از سالم بودن مورد توجه قرار گرفته است و ضرورت توجه به اعتماد به نفس در نوجوانی بسیار زیاد است. در دوره ی نوجوانی در اثر تغییر و تحولات جنبه های مختلف، عموماً نوجوانان به سمت اظهارات و خودگویی های منفی از خود می پردازند. کمک والدین به نوجوان برای ترمیم این ساختارها و قضاوتهای شناختی از خود و بررسی دقیق توانایی ها و ویژگیهای مثبت، در پرورش عزت نفس آنها تأثیر مطلوبی دارد.

مطالعات و تحقیقات فراوانی به اثر فرزند بر هر یک از والدین و دیگر اعضای خانواده و یا بر کل خانواده به عنوان یک رابطه دوجانبه و تأثیر متقابل توجه داشته اند، اما بررسی مبانی روان شناختی ارتباط مؤثر و مطلوب والدین بر فرزندان از مهم ترین مسائل در حریم خانواده و سلامت روانی آن تلقی می شود. آگاهی و شناخت کافی و عمیق از این مبانی می تواند ما را در پرورش شخصیت سالم فرزندان در خانواده یاری رساند و روش های مناسب و مؤثر را برای چگونگی و نحوه ارتباط والدین با فرزندان به دست دهد.

نوجوانی دوره افزایش فشار است. نوجوانان باید تصمیمات مهم دوران زندگی خود را درباره شغل، سلامت، رفتارهای پرخطر و تحصیل بگیرند و عبور از این دوره می تواند برای نوجوانان و خانواده هایشان دوران سختی باشد (جنکینز^۱، ۲۰۰۹؛ به نقل از برجلی، ۱۳۹۲). در این دوره، نوجوان^۲ با دو مسئله اساسی درگیر است: بازنگری و بازسازی ارتباط با والدین، بزرگسالان و جامعه، و بازشناسی و بازسازی خود به عنوان یک فرد مستقل (لطف آبادی، ۱۳۹۰). تحولات سریع این دوره، روابط نوجوان با دیگران از جمله والدین را تحت تأثیر قرار می دهد. سال های ابتدایی نوجوانی به ویژه ۱۰ تا ۱۵ سالگی، با ظهور و افزایش تعارض میان نوجوانان و والدینشان ارتباط دارد (الیسون، ۲۰۰۰؛ به نقل از قمری، ۱۳۹۲).

خانواده یکی از نهاد های اجتماعی است که اساس حیات اجتماعی بشر را تشکیل می دهد و از مهمترین وظایف آن فرزند آوری و تربیت فرزندان می باشد. یکی از مشکلاتی که امروزه اغلب خانواده ها با آن روبرو هستند تعارض والدین و فرزندان و مخالفت فرزندان با خواسته های والدین است که معمولاً در سنین بلوغ و نوجوانی رخ می دهد. این تعارضات می تواند در سایر تعاملات اجتماعی فرد نیز نمایان شود (دلات اس^۳، ۲۰۱۴).

به دلیل این که دوره ی نوجوانی، دوره ی مبارزه طلبی و رشدی است که نوعاً با کاهش اتکاء و وابستگی به والدین و خانواده، رشد احساس خود رهبری، یافتن ارزشها و اعتقادات همراه است به نظر می رسد و همچنین تعارضات والدین و فرزندان در این دوره سنی بیشتر باشد. لذا جامعه آماری این تحقیق این گروه از دانش آموزان نوجوان انتخاب شد.

داشتن مهارت استدلال کردن در نوجوانان زمینه را برای کاهش تنش و تعارض در خانواده برای آنها فراهم می نماید. هدف پژوهش تعیین میزان اثر بخشی آموزش رویکرد پردازش اطلاعات به دانش آموزان بر افزایش توانایی آنها در استدلالشان بود.

Jenkins. P.^۱

^۲.adolescent

^۳ De Laet, S